

با عیب جویان چه کنیم ؟

سلام . ببخشید فردی از فامیل داریم که دائم بر دیگران عیب می زند و از خودش چیزی نمی گوید ما نمیدانیم با این فرد چگونه معاشرت کنیم اگر ممکن است توصیه های مولانا را در این مورد بفرومائید . وقتی تلفن می کند دائم از ناراحتی و بیماری و مشکلات سخن می گوید و ما را بهم می ریزد با این فامیل چه کنیم نمی توانیم هم به او تذکر دهیم چون قهر میکند و همه جا مارا کوچک میکند دهنش دریده است . با این گفتار مطلب ستار بودن خداوند چه جایگاهی دارد؟

. سلام بر شما

. عیب دیگران را پوشاندن و یا عیب جویی کردن از دیگران را مولانا در چندین جا آورده است

در مورد احوال و صفات شخصی و بکار گیری این حالات در روابط اجتماعی و معاشرتها ، مولانا سه توصیه مهم دارد که بسیار مهم و آزمایش شده اند . ابتدا به اینها می پردازیم

دفعه 1، بیت 819

چون خدا خواهد که پرده کس دَرَد - میلش اندر طعنه پاکان بَرَد

. و خدا خواهد که مان یاری کند - میل ما را جانب زاری کند

. و خدا خواهد که پوشد عیب کس - کم زند در عیب معیوبان نفس

اگر دیده میشود که کسی بر پاکان طعنه می زند و قصد سبک کردن دارد، این نشانه قهر الهی است و علامتی است که همه بدانند . طعنه زننده از رحمت خداوند بریده شده و هر گونه ارتباط با او عوارض ناخوشایندی خواهد داشت

خداوند ستار است یعنی خلقت ما به صورتی است که اگر در پنهانی گناهی مرتکب شویم کسی نمی فهمد این یعنی خداوند ستار است و عیب را می پوشاند . اما وقتی در بین مردم می بینیم که آن گناه اگر آشکار بود بسیار زننده و موجب آبرو ریزی و خفت فرد می شد به خود می آییم که تا میشود گناه نکنیم . ستاریت بدان علت است که گناهکار زشتی آن گناه را در بین مردم ببیند و عبرت گیرد و دوباره تکرار نکند . ستار بدان معنی نیست که هر کس هر زشتی بکند و باز پوشانده شود . گاهی بر عکس باید زشتی ها و جنایتهای افراد آشکار شود یعنی در پایان کار قرآن میگوید . یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ روزی که اسرار باطن شخص آشکار شود . آن چه روزی است ؟ در همین زندگی خداوند فرصتی را می آورد که دونه زورمند و قدرتمند با هم به نزاع بر خیزند تا هر چه زشتی ها پنهان است از هر دو طرف آشکار شود مولانا این نزاع را قیامت می نامد چون هر دو نفر پرونده هم را آشکار می کنند .

هر کجا آیی تو در جنگی فراز - بینی آنجا دو عدو در کشف راز

آن زمان را محشر مذکور دان - وان گلی رازگو را صور دان

که خدا اسباب خشمی ساختست - و آن فضایح را بکوی انداختست .

میگوید در نزاع بین افراد زشتیهای طرفین علنی میشود و هر کس یا گروه عیب دیگری را علنا می گوید مولانا این فرصت ها را روز محشر می نامد و حلقها که هم را رسوا می کنند صور اسرافیل می نامد که محشری است و گوید برخیزید تا اعمال شما به شما نشان داده شود . بروز خشمها برای رسوا کردن هاست این برای موقعی است که باید زشتکاران رسوا شوند .

اما وقتی خداوند عیب کسی را می خواهد بپوشد حالتی در فرد به وجود می آید که شخص به هیچ وجه عیبجویی نمی کند از دیگران . پس اگر دیده شد کسی اصلاً عیب افراد را نمی گوید و اگر احتمالاً عیبی بشنود ، به نحوی ، سریع از شنیدن خود را دور می کند ، باید بدانیم که مورد عنایت حق قرار گرفته است

نشانه یاری خداوند بر بنده بدان صورت است که شخص خودش بسوی دعا و طلب رحمت از پروردگاری رود . اولین ثمره این میل ، کم شدن کبر و خود گنده بینی غیر عمد در بنده است . زاری نشانه بندگی با خداست

این سه توصیه بسیار مهم است. حالا به این مطلب می پردازیم که هر فردی در دنیا عیوبی دارد و حُسنی. هیچکس در دنیا بی عیب یابی کمبود نیست. عیب زننده در افراد فقط عیب را می بیند و با حُسن کاری ندارد. وقتی کسی فقط عیب دید به زشتی ها عادت میکند و از زیباییها بی خبر و دور می گردد و این اولین عذاب خداوند است که کسی در دنیا زیباییها را نبیند. دُومین ضربه این است که وقتی کسی همه را زشت و با عیب دید و هر روز زشتی دیگران را بازگو کرد، کم کم عجب و کبر شیطنانی در او بالا میرود چون فکر میکند فقط خودش بی عیب است.

سوم ضرر بعدی این است که، در فکر عیوب مردم بودن آدمی را از درمان عیوب خویش باز می دارد. از این جاست که مولانا میگوید که عیب بین از همه گمراه تر و از خود غافلتر است و هر روز در این گمراهی راسختر میشود. چرا وقتی عیبی از ما میگیرند، زود به دفاع بر می خیزیم؟ یعنی عیب را قبول نداریم و این غلط است

وجود ما نیمی از عیب یعنی نیمه بشری و نیمی از غیب است یعنی نا معلوم و خدا می داند، و این غیب هم که، نا معلوم است، نمی دانیم که اگر در حالتی سخت و زشت و قدرت و مقام قرار گرفتیم به کدام سو ما را خواهد برد، زشتی یا رحمت؟ پس بودن یا نبودن عیب در آن نیمه غیب هم پادروا و نا معلوم است. با این بیان چه خواهد ماند؟. ساختمان ما چنین است